

# آزادی

## يك حق طبیعی است

اسلام؛ ملت شرافتمند و عزیز میخواند. اسلام آثار بردگی منحوس را محو میکند

برخی افراد ، که گاهی دانشمندان و فلاسفه ای مانند ارسطو نیز ، در میان آتیه پدید میشوند ، معتقدند : خداوند ، دو نوع انسان آفریده است : آزاد ، و برده ! گروهی تنها باین دلیل که طبیعت پوست بدنشان را سیاه کرده ، یا نیروی بدنی بیشتری برای کار کردن دارند ، یا از فرزندان اسرائیل ، نیستند ، با مانند طبقه وجودی و نجسها که از قسمت سفلی برها آفریده شده اند یا بستی همیشه اسیر و برده دیگران بوده ، از آزادی بطور کلی محروم باشند ! (۱)

این طرز تفکر غلط ، از دید زمانه در میان گروهی استعمارگر و سودجو وجود داشته و موجب بسیاری از پیمانها و جنایات غیر انسانی گردیده که هم اکنون نیز ، آثارش در آن ، بشکل نژاد پرستی و جنگ سیاه و سفید ، و ... در دنیا چشم میخورد ! ولی اسلام ، با اینکه گونه افکار انحرافی و جاهلانه شدیداً مبارزه میکند و این طرز تفکر را بکلی غلط و نادرست میداند ، اسلام ، معتقد است : تمام افراد بشر ، از نسل يك پدر بزرگ مادر هستند و هیچگونه امتیازی جز از نظر شایستگی و تقوی نسبت به دیگران ، نداشته ، همه و همه در حقوق انسانی که بازرترین مصادیق آن ، آزادی شخصی افراد است ، اعم ، برابر و یکسانند .

علی علیه السلام ، در این زمینه میفرماید : «الاناس کلهم احراز ؛ الامن اقر علی نفسه بالعبودية - تمام مردم ، آزاد آفریده شده اند ، مگر کسی که از روی اختیار ، برده گی را برای خود ، پذیرفته اند !» (۲) و در آنجا که فرزند بر منمش ، امام مجتبی (ع) را بشکل دو سینه در انسان میاموزد چنین میفرماید : «لا تکن عبید غیرک و قد جعلک الله حرا - خود را برده دیگران ، مساز ، زیرا خدا ترا آزاد آفریده است » (۳)

(۱) هر کدام از جهات فوق ، غلطی است که گروهی از آنجهت ، جمعی را آقا و جمعی دیگر را برده می پندارند ، برای تفصیل آن ، مراجعه شود به : روح التواریخ ، بردگی در اسلام تاریخ تمدن ویل دورانت ، تاریخ آلبرماله ...

(۲) وسائل ج ۳ ص ۲۴۳ (۳) نهج البلاغه فیض ص ۹۲۰

این دو عبارت ، که از نخستین حاشیین بر حق پیغمبر اسلام ، علی ابن ابیطالب (ع) نقل کردیم ، نه تنها اعتقاد باینکه خداوند ، دو نوع انسان و آزاد و برده ، آفریده است را ، نادرست و بی اساس ، اعلام ، میکنند بلکه این درس را نیز به مردم میدهد که : عزت و ذلت ، آزادی و بردگی ، آقایی و توسری خوری هر فرد جامعه و ملتی بدست خود آنها است ، این خود مردمدکه در اثر نداشتن روح شهامت و آزادی خواهی ، عزت و شرافتمندی ، محیط را برای استبداد استعمارگران آماده میکند و آنها نیز هر نوع سواری که بخواهند از وجودشان بگیرند .

بنابراین ، طبق منطق رهبران آزادگان ، علی علیه السلام ، هرگاه افراد و ملتها بخواهند برای همیشه از زیر بار ذلت و بردگی خداوندان زورورز ، خلاص شوند و لایعنه گندیده استعمار و استثمار را در صحنه زندگی دفن نمایند ؛ بایستی در مرحله اول شخصیت انسانی خود را درک کرده و بداند ، هیچگاه خداوند ، آنان را برده و اسیر دست دیگران نیافریده است عزت و ذلت آنها بدست خود آنهاست و در مرحله دوم ، برای بدست آوردن آزادی از دست رفته تلاش بیکسو ادامه داری را آغاز نمایند و لو آنکه در راه تحصیل آزادی واقعی رنجها و شکنجه ها تحمل نمایند ، نه آنکه برای منافع خیالی و زودگذر ، به وضع ذلت بارتن داده ، برای همیشه خود را توسری خود برده استعمارگران ، قرار دهند

اسلام ، برای آنکه هر جوقت هبولای بردگی سایه شوم خود را بر سر مردم نیافکند بیروان خود را به داشتن روح عزت و آزادی تمییح و از فر و مایگی و خوار شدن در مقابل دیگران ، بر خیزد داشته ، مسلمانان واقعی را بواسطه روح عزت و شرافتمندی که دارند ، می ستایند و **ولله العزة و لرسوله و للمؤمنین ؛ ولكن المنافقین لا یعلمون** عزت و بربرگویی از آن خدا و پیامبرش ، و مؤمنان است ، لیکن منافقان ؛ این حقیقت را درک نمیکنند (۱)

سپرده است مگر اختیار خوار کردن خویش را که چنین اختیاری با و نداشته است « (۲)

رهبر پرهیز کاران ، علی بن ابیطالب علیه السلام ، هنگامیکه به شهر وانبار رسید ، مردم آنجا طبق عادت دیرین خود که در مقابل شاهان ، بخاک میافتادند ، در برابر او نیز احترام و تنظیم را از حد گذرانزدند ، حضرت از اینکارشان ، فوق العاده ناراحت شد و فرمود : « این چه کاری است که میکنید؟ » آنها گفتند : این رسم ما است که سرداران و فرمانروایان خود را باین گونه احترام میکنیم !

امام فرمود : « بخدا قسم ، فرمانروایان را باینکار سودی نمی برند ، و

(۱) سوره منافقون آیه ۸ (۲) وسائل ج ۶ ص ۴۲۴

شما هم ندر دنیا و ندر آخرت از این کادو شگفت بار به حاصل ، طرفی نمی بندید  
چقدر زیانبار است رنجی که کمفر بدنمال دارد ؛ وجه بسیار سود بخش است  
راحتی که ایستی از آتش بیسراه دارد» (۱)

علی (ع) بدینوسیله خواست با ما بنهاند . با آنکه خدا آنها را آزاد آفریده است چرا  
با کرتیش از حد در مقابل بندگانی مثل خودش عصیت انسانی خویش را نکوب کرده رسم  
دعوت به دین بر دیگران را همچنان زنده نگاه میدارند ؟

اسلام آثار بردگی منحوس را محو میکند

هنگامیکه خورشید تابان اسلام ، از افق مکه درخشیدن میگرفت ، ملتها زیر چنگ استبداد ،  
آخرین دمق را طری میگردد و بساط دیکتاتوری و سلب آزادی از بندگان خدا ، رونق کامل داشت .  
توده ملت ، زیر چنگال اهریمنانه فرما را و پان و اشراق و سرمایه داران ، دست و  
پامیزدند و در مقابل اراده و خواست آنها قدرت ابراز هیچ نوع عکس العملی نداشتند :

اسلام آمد ، برای آنکه مردم بحر کشیده و شکنجه دیدار از این وضع رقت بار نجات دهد  
و همه گونه آزادی معقول را در سایه بندگی خدا بر مردم عرضه نماید ، « ای پیروان کتب صحیح  
آسمانی بیایید بیک اصل مشترک که میان ما و شماست عمل کنیم و آن اینکه  
غیر خدا را « عبادت و بندگی » نکنیم و برای او شرک قائل نشویم ، برخی  
از ما برخی دیگر را بجای خدا از باب و صاحب اختیار خود ندانیم» (۲)

چون ، توده ملت در اثر فشار بیست ساله کجوسو ساجیان زر و زور که میرفت استخوانها پنهان  
تولیا شود ، اسلام را پنهانگاه خوبی برای رهائی از عبودیت غیر خدا تشخیص دادند از اینجهت  
بسوی آن گرایش خاصی پیدا کردند و شولی نکشید ، ارتش بر تعالی بخش اسلام ، در مقابل  
امپراطوریهای بزرگه ایران و روم که پایه آنها بر حکومتان ، بر اساس محرومیت اکثریت  
ملت ، استوار بود ، قرار گرفت و آنان را بر اساس عدالت و مساوات و آزادی دعوت نمود .

هنگامیکه « زهره » افروز اسلام ، در چنگاله قانسید ، با « رستم فرخزاد »  
فرمانده ارتش ایران ، رو برو گردید ، رستم از او پرسید : « دین اسلام چیست ؟ زهره در جواب  
او گفت : اعتقاد به خدای یگانه ای پیامبری محمد (ص) فرستاده او رستم پرسید : دیگر  
چه ؟ زهره در پاسخ گفت : « اخرج العباد من عبادة العباد الى عبادة الله والناس بنو آدم  
و حوا ان حواء اولاب و ام اسلام آئینی است که مردم را از بندگی افرادی مانند خودشان ، نجات میدهد  
و آنها را منحصر آئنده خدا میسازد همه مردم فرزندان آدم و حواء و از پیش پدر و مادر هستند» (۳)

(۱) نهج البلاغه بخش ص ۱۰۹۴

فاتمام

(۲) باهل الكتاب ، نالوالی کلمسو اعیننا وینکم ان لا نعبد الا الله ولا نشرک به شیئا ولا یخذ

بعضنا بعضا اربا یامن دونک (سوره آل عمران آیه ۶۴) (۳) تفسیر الجواهر جزء اول ص ۷